

باسمه تعالی

اهمّ دلایل لزوم تعلّم «الفوائد الصمدیه»

در سال اول طلبگی^۱

در میان کتب ارزشمند حوزوی، کتاب «الفوائد الصمدیه» اثر گرانقدر مرحوم «شیخ بهائی» برای طلبه تازه وارد به حوزه، دارای ارزشی خاص است. به دلائلی که ذیلاً بیان خواهد شد، لازم می نماید که «طلبه» در سال اول، متن این کتاب را درس بگیرد^۲ و حذف این کتاب از حوزه، بدون وجود جایگزین مناسب برای آن، خسارت بزرگی است.

اهمّ دلایل مذکور چنین است:

۱. حفظ آسان مطالب مهم

- از گذشته چنین بوده است که علما تلاش می کرده اند تا با تبدیل علوم به قالب «شعر» کاری کنند که حفظ علوم در حافظه طلبه، تسهیل شود چراکه یکی از هوش های نه گانه انسان «حافظه موسیقایی» است. «الفیه» ابن مالک در نحو و صرف، و «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری در منطق و فلسفه از این دست است.

۱. این مقاله، خلاصه مباحثی است که توسط تدریس کننده «صمدیه» در دوره تابستانی سال ۱۳۹۸ (روح الله راسل) در جمع طلاب حوزه علمیه معصومیه قم ارائه شده است (حدود دو ساعت). از زحمات طلبه کوشا جناب آقای «وحید جهان تیغی» که متن اولیه ای را جهت ویرایش توسط گوینده ارائه کرده اند، سپاس گزارم.

۲. مثلاً بعد از گذراندن کتابی مقدماتی مثل «درسنامه نحو» (مرکز متون حوزه) در حدود ۴۰ تا ۵۰ ساعت آموزشی، بلافاصله اشتغال به صمدیه داشته باشد و آن را به صورت مبسوط و دقیق در ۱۲۰ ساعت بگذرانند تا ۱۷۰ ساعت آموزشی درس «نحو» حوزه را پوشش دهد.

کتاب «الهدایه فی النحو» برای طلاب پایه ۱ توصیه نمی شود چراکه دارای اشکالات فراوان علمی و روشی است، به علاوه آنکه در راستای تأمین اهدافی که در این مقاله ذکر شده نیست، ضمن آنکه تدریس آن باعث می شود که وقت لازم برای تدریس صمدیه باقی نماند و اساتید مجبور شوند که صمدیه را با سرعت بالا و بدون کیفیت لازم تدریس کنند.

«صمدیه» با آنکه شعر نیست^۱ اما با آوردن عبارات دقیق، کوتاه و بعضاً مسجع، به مانند شعر، راه را برای فهم و حفظ آسان مطالب علمی می‌گشاید. مثلاً «نحو» را اینگونه تعریف می‌کند: «علم بقوانين الفاظ العرب من حيث الاعراب و البناء» و فائده نحو را «حفظ اللسان عن الخطأ في المقال» می‌شمرد^۲. خلاصه آنکه صمدیه کتابی موجز در علم نحو است و در این نوع از کتب، همت مؤلف بر آن است که در کوتاه‌ترین عبارات، بالاترین مقاصد را برساند. لذا اینگونه کتب دارای عباراتی شعارگونه هستند که حفظ آنها آسان است و نتیجه آنکه تثبیت مطالب در ذهن آسان می‌شود.

۲. انگیزه برای مرور آسان و سریع نحو

- اگر طلبه در سال اول، صمدیه را به خوبی و بدون عجله بیاموزد، یک سرمایه بسیار بزرگ برای مرور دقیق و سریع علم نحو در سال‌های بعد در اختیار دارد. شنیده شده که برخی بزرگان و اعظام حوزه، هر دو سال یکبار، متن کامل این کتاب را در تابستان‌ها می‌خوانند تا قواعد ادبی که نقش مهمی در استنباط و فهم قرآن و احادیث دارد، هیچگاه از یادشان نرود.

۳. تقویت روحیه ملا شدن

- کتبی که متن ساده و روان دارند (نظیر هدایه و بدایه در نحو) متعلم را عادت به «روزنامه خوانی و تندخوانی متون علمی» می‌دهند؛ ولی کتب موجز نظیر صمدیه، به طلبه می‌آموزند که باید متن علمی را دقیق و با حوصله مطالعه کنند، نسبت به ابعاد گوناگون آن بیندیشند و تلاش کنند تا بخشی از «نانوشته‌های داخل متن» را با کمک قرائن متن و تحلیل خود به دست آورند.

۱. البته ایشان در «خاتمه» حدیقه ثانیه (غیر منصرف) آن را مصدر کرده اند به سه بیت شعر در اسباب منع صرف. لذا در این کتاب از شعر هم بعضاً استفاده شده.

۲. نمونه‌های دیگری از این دست، به شرح ذیل است:

- الكلمة: لفظٌ موضوعٌ مفردٌ؛ و الكلام: لفظٌ مفيدٌ بالاسناد (حدیقه اولی).
- التمييز: و هو النكرة الرافعة للإبهام المستقر عن ذات أو نسبة (حدیقه ثانیه).
- لن: و هي لتأكيد نفي المستقبل (حدیقه ثالثه).
- لا بُدَّ من تعلُّقهما بالفعل أو بما فيه رائحتة (حدیقه رابعه، تعلق ظرف و جار و مجرور).
- لولا: حرفٌ تردُّ لربط امتناع جوابه بوجود شرطه (حدیقه خامسه).

مثلاً در حدیقه اولی، با خود بیندیشند که در بیان تقسیمات اسم (و هی اسم و فعل و حرف) چرا به این ترتیب، بیان نمود؟ یا در حدیقه رابعه در این جمله بیندیشد که: «و لا بُدَّ مَعَ الْمَاضِي الْمُبْتَدِ مِنْ قَدْ و لو تقدیراً» که چرا باید جمله حالیه با فعل ماضی، حتماً مصدر به «قد» باشد؟ و تلاش کند که برای آن پاسخ و جیهی بیابد.

خلاصه آنکه طلبه، ملاً نمی شود مگر آنکه «تفکر کردن» جزء امور دائمی او باشد و کتبی نظیر صمدیه تأثیر مهمی بر این امر دارند، به خلاف کتبی که تمام مطالب را با وضوح تام و با مثال های متعدد به مخاطب عرضه می کنند.

کتبی مانند صمدیه، حتی تکثیر مثال هم نمی کنند، لذا در مواردی که به جای یک مثال، دو یا چند مثال می آورد، متعلم باید به فکر فرو رود که چرا بیش از یک مثال ذکر شده و هر مثال حاوی چه نکته جدیدی است؟ همچنین گاهی صمدیه اصلاً ذکر مثال نمی کند تا خود متعلم مثال بسازد و قوی شود. مثلاً در بحث «نواسخ ابتدا» فقط می گوید که «توسط خبر جایز است» تا مخاطب خودش مثال «کان قائماً زید» را بسازد.

طبیعتاً طلبه ای که چنین پرورش می یابد، مهبای خواندن متون بعدی حوزوی یعنی «النهجۃ المرضیه» و «مغنی الادیب» بوده و در حین فهم قرآن و حدیث نیز اهل تدبر و تأمل و تدقیق است.

۴. آمادگی برای برقراری ارتباط با ثرات علمی

- قدمای از علما، بنا به هر دیدگاهی که داشته اند، کتب علمی را با متن آسان نمی نوشتند. شاید یکی از دلائل این امر، عمل به این روایت شریف کافی است: «لا تُحَدِّثُ الْجَهَّالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظَلِّمُوها و لا تَمْنَعُوها اهلها فَتُظَلِّمُوهم»^۱. قرآن و حدیث، حکمت است، علوم حوزوی نیز هم خود حکمت است و هم مقدمه فهم حکمت (قرآن و حدیث) است؛ ظاهراً از قدیم این دیدگاه وجود داشته که نباید این علوم را به راحتی در اختیار هر کس گذاشت؛ لذا متون «ثرات اسلامی» نوعاً متون آسانی نیست^۲.

۱. الکافی، ۱، ۴۲. این حدیث از امام صادق ع روایت شده که ایشان از قول حضرت عیسی ع فرموده اند.

۲. در زمان حاضر نیز می بینیم که حضرت امام خمینی ره که در سن ۹۰ سالگی به این سهولت و روانی با توده های مردم سخن می گویند که عالم و عامی، فهم می کنند و فیض می برند، در جوانی «چهل حدیث» نوشته اند که بعضاً فهم آن برای طلاب نیز دشوار است. یعنی ایشان با آنکه توان آسان نویسی را داشته اند ولی عمداً اینگونه کتب اخلاقی را سنگین نوشته اند تا هر کسی به آنها دست نزنند.

- به هر حال خواه کسی این دیدگاه عالمان را بپسندد یا نه، و خواه علت سنگینی تراث علمی، دلیل مذکور باشد یا دلیل دیگری داشته باشد، تفاوتی در نتیجه نمی کند، ما هستیم و «تراث علمی با متن دشوار»؛ و راه آسان شدن این متون آن است که علاوه بر مراعات تقوا و جلب توفیق الهی، از همان ابتدای طلبگی به کار کردن با متون دشوار تن بدهیم.

۵. آمادگی شایسته برای فهم قرآن و حدیث

- از آنچه گذشت روشن شد که قرآن و احادیث «حکمت» هستند و فهم دقیق آنها آسان نیست. کتب نفیس تفسیر، نظیر «المیزان» و نیز کتب دقیق فقهی نظیر «رسائل و مکاسب» از مرحوم شیخ اعظم، در آیاتی نظیر آیه نبأ(۶ حجرات)[در بحث حجیت خبر واحد] و آیه اکل مال به باطل(۲۹ نساء)[در بحث مکاسب محرمه] به خوبی نشان می دهند که برای فهم مجتهدانه از یک آیه قرآن کریم، چقدر باید اهل دقت و قوت در طرح سؤال از متن بود.
- اساساً معجزه دین ما «متن» است و قرار است که طلبه در هر رشته ای از علوم اسلامی که وارد می شود، نظر قرآن و احادیث را از روی «متن دقیق آنها» تحصیل کند؛ طبیعی است که اگر یک طلبه، تجربه کار با متون قویم علمی را نداشته باشد، احتمالاً در استنباطات از قرآن و حدیث نیز «سهل انگار» خواهد بود.
- خود خداوند متعال هم کتاب خود را کتابی آسان قرار نداده اند بلکه در فرمودند: «أَنَا سَنَلِقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»(۵ مزمل). اما قبل از این آیه شریفه به رسول خود امر می فرمایند که برای آنکه این کتاب «ثقیل» را به درستی تلقی کنی، باید «ظرفیت سازی» نمایی به این صورت که اهل عبادت شبانه و نماز شب و نیز انس با قرآن و ترتیل خوانی آن باشی: «قُمْ اللَّيْلَ ... وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ»(۲ و ۴ مزمل).
- گویا در گذشته علمای ما اگر کتب علمی را با قلمی بعضاً دشوار می نوشتند به جهاتی بوده است، از جمله اینکه طلبه از همان بدو طلبگی متوجه می شده که کتب حوزوی «قولی ثقیل و کتبی وزین» هستند که برای فهم آنها به ناچار باید ظرفیت خود را بالا برد؛ لذا وقتی به اساتید خود مراجعه می کردند و می گفتند که درمانده ایم، پاسخ می شنیدند که برای فهم این کتب باید اهل دل شب و انس با قرآن باشید(همان توصیه سوره مزمل). لذا طلبه اهل عبادت شبانه و انس با قرآن می شد که برکات فراوانش چنین بود: فهم کتب دشوار علمی بر او آسان می شد(آیه ۵ مزمل) معنویت و تهذیب نفس او رشد می کرد(آیه ۶ مزمل) امر تبلیغ دین و حضور در میان مردم و تحمل شدائد از ناحیه مردم بر او آسان می شد(آیه ۷ مزمل) مشکلات اقتصادی

او حل می شد و خوش روزی می شد (مدلول روایات فراوانی که گفته اند که نماز شب مایه توسعه رزق است) و ... با آسان کردن کتب آموزشی، طلبه وجهی نمی بیند که در خود ظرفیت سازی کند و این آسیب بزرگی برای حوزات است.

۶. تقویت قوه تقریر نویسی

- کتب مفصل که قلمی مبسوط دارند را باید «خلاصه نویسی» کرد ولی کتب موجز نظیر صمدیه نیاز به «تقریر و شرح نویسی» دارند. بعضاً ممکن است که یک سطر از «صمدیه» نیاز به پانصد کلمه تقریر داشته باشد (حدود دو صفحه آ۴). یکی از نیازهای طلبه آن است که قلمی قدرتمند داشته باشد و تقریر نویسی یکی از عوامل جدی تقویت قلم است. صمدیه شروع خوبی است بر این مهم.
- همچنین طلبه با تقریر نویسی این کتاب در نوشتن «جزوات درسی» و «حاشیه زنی بر کتب درسی» قوت می یابد.

۷. صمدیه، شاخص تحصیل صحیح حوزوی

- کم نیستند کسانی که با نگاه های خاصی پا به حوزه می گذارند و رسالت طلبگی را به درستی نمی شناسند. تعلّم صمدیه در سال اول طلبگی به تمامی شکوفه های حوزوی می آموزاند که قرار است به کدامین میوه تبدیل شوند. به آنها می فهماند که حوزه یعنی «تمرکز بر متن» و در یک کلام «جراحی متن». این جراحی کردن متون، ابتدا در کتب درسی حوزه و در عرض آن در کتب پژوهشی و تحقیقی و تراث علمی رخ می دهد و در پایان به جراحی کردن متن «قرآن و احادیث» می انجامد.^۱

۱. لذا غرض آموزش ادبیات در حوزه با غرض آموزش مکالمه عربی، بسیار متفاوت است و نمی توان به حوزه ایراد گرفت که چرا طلاب بیش از هزار ساعت به تحصیل ادبیات می پردازند ولی قادر به تکلم با عرب امروزمین نیستند؟! البته شکی نیست که شرکت در کلاس مکالمه می تواند به تقویت ادبیات حوزوی کمک کند (مثلاً در صرف فعل، بر قوت طلبه بیفزاید) ولی در هر حال، غرض اصلی هر یک با دیگری متفاوت است. لذاست که از استاد مکالمه عربی نمی توان انتظار داشت که بتواند همانند طلاب علوم دینی از قرآن و احادیث، استفادات حکمی نماید. مقام معظم رهبری در ۲۵ اردیبهشت ۹۵ در جمع طلاب فرمودند: «ما درس نحو و صرف را برای این نمی خوانیم که با عرب ها عربی حرف بزنیم؛ برای این می خوانیم که نکات موجود در منابع فقهی را یا منابع کلامی را که کتاب

- لذا طلابی که با صمدیه ارتباط خوبی برقرار می کنند، امید دارند که این راه نورانی را با قوت ادامه دهند؛ نیز طلابی که با مثل این کتاب به مشکل بر می خورند می دانند که باید روش تحصیل خود را عوض کنند و سبک تعلم خود را تغییر دهند و با «روزنامه خوانی و تندخوانی متن علمی» خداحافظی کنند.
- یکی دیگر از شاخص های تحصیل حوزوی «لزوم درک استاد» است که کتبی نظیر «صمدیه» طلبه را به آن تشویق می کنند چراکه این کتاب را نمی توان بدون استاد خواند، حال آنکه کتبی نظیر «هدایه و بدائه النحو» طلبه را سوق می دهند که درس را «خودخوان» کند یا «ارتقایی» بخواند که این امور از اساس یک ضد ارزش در حوزات بوده و هست (به دلایلی که بر اهل علم مخفی نیست).

الحمد لله رب العالمین

روح الله راسل - طلبه حوزه علمیه قم

تیرماه ۱۳۹۸

و سنت است، بفهمیم؛ این را توجه بکنید. خیلی ها هستند زبان عربی را هم خیلی خوب صحبت می کنند، فصیح هم هستند، منتها آن نکته ای را که ما از یک آیه یا یک روایت به خاطر تسلط به ادبیات عرب و تسلط به نحو و صرف عرب ممکن است بفهمیم، نمی توانند بفهمند؛ به این توجه داشته باشید. یاد گرفتن مکالمه زبان عربی نمی تواند ما را از مغنی یا از سیوطی بی نیاز کند؛ توجه به این معنا باشد».